

فضای همگانی شهری اجتماع محور در اندیشه آرمان شهری طالبوف

سیده آیدا حسینی^۱، مهسا شعله^۲

چکیده

شهرها دارای نظامی هستند که آهنگ سریع تغییرات موجب عدم تعادل ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فضایی در آنها شده است و نمود بیرونی این گسست‌ها در فضاهای همگانی به چشم می‌خورد. فضاهای همگانی به‌عنوان شاخصی برای تنوع زیستی شهر عمل می‌کنند که برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار در آنها می‌تواند نقطه عطفی در پیشرفت و حل مسائل گسترده شهری به شمار آیند. هدف پژوهش حاضر بررسی فضای همگانی اجتماع محور در اندیشه آرمان شهری طالبوف و تطبیق دیدگاه او با صاحب‌نظران حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری جهت دستیابی به راهبردی مؤثر برای داشتن فضاهای همگانی پایدار است. روش تحقیق این مطالعه توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی و هدف آن بنیادی، با استراتژی پسکاوی است که در پارادایم تفسیرگرایی قرار دارد. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و نظری صورت پذیرفت و در نهایت به تحلیل محتوای پژوهش با استفاده از نرم‌افزار اطلس‌تی، پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که اندیشه‌های طالبوف آرمان‌گرا و نظریه‌پردازهای واقع‌گرا در ابعاد مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی، بسیار مشابه است. در بعد بصری، طالبوف نگاهی دقیق‌تر به مسائل زیبایی‌شناسی دارد. او دین و مذهب را از اصلی‌ترین اصول پایداری یک ملت و شهر می‌داند که دیگران تنها به وجود این بعد اشاره نموده‌اند. طالبوف و دیگر نظریه‌پردازها معتقد هستند اگر این ابعاد پنج‌گانه، به‌طور هماهنگ با یکدیگر، در فضاهای همگانی اجرا شوند، موجب موفقیت و پایداری آنها و در پی آن پیشرفت و بهبود شهرهای امروزی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: طالبوف، فضای شهری، فضای همگانی اجتماع محور، آرمان‌شهر، نرم‌افزار اطلس‌تی

۱- دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران s.aida.hosseini1993@gmail.com

۲- دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) msholeh@shirazu.ac.ir

در طول دهه‌های گذشته، عدم تعادل عمیقی از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی، در مناطق شهری پدید آمده است (لوپس^۱ و همکاران، ۲۰۱۹) که اصطلاح «پساشهری» این روندها را به خوبی توصیف می‌کند: دنیایی که به طور فزاینده‌ای از هم‌پاشیده شده است (هاس و میهفی^۲، ۲۰۱۹). البته تغییر همیشه بخشی از تکامل مناطق شهری بوده (رسی^۳، ۱۹۹۶)، اما در دنیای امروزی «آهنگ تغییر» با سرعتی بی‌سابقه در حال وقوع است (هاس و میهفی، ۲۰۱۹). فضاهای همگانی اغلب به عنوان نشانه‌ای برای شهرها در نظر گرفته می‌شوند که در خدمت اهداف تجاری و فراغتی، تعاملات اجتماعی (رسی، ۱۹۹۶) تا کارکردهای سیاسی، مذهبی و اداری هستند. این گونه فضاها فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های زندگی روزمره، گردهمایی گروه‌های مختلف و بستری برای حضور فراهم می‌آورند (وایت^۴، ۱۹۸۰). لوفور، «حق به شهر» را حق به زندگی شهری می‌نامد و بیان می‌کند که استفاده مشترک همه شهروندان از فضای همگانی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های اساسی حق به شهر است (باتلر، ۱۳۹۹: ۲۲۷)؛ اما اکثر جوامع امروز، خصوصی‌سازی و یا کاهش دسترسی به فضای همگانی را تجربه می‌کنند (هاس و میهفی، ۲۰۱۹). فدا کردن فضای همگانی برای پاسخ‌دهی به نیازهای خودرو، سبب شده است نیازهای حرکتی، نیازهای اجتماعی را غصب کند (کارمونا^۵، ۲۰۱۴: ۵). هنگامی که صحبت از فضاهای همگانی می‌شود، برابری مستلزم تنظیم فضای همگانی و همچنین دسترسی به آن‌ها بدون توجه به مشخصات اجتماعی و اقتصادی جمعیت است (لو و لوسون^۶، ۲۰۱۶: ۱۷) و این بیانگر آن است که همگانی بودن مهم‌تر از مالکیت آن‌هاست (کارمونا و همکاران، ۲۰۰۸: ۸۰). در نتیجه اولین شرط برای استفاده از فضا، فراهم کردن دسترسی نامحدود به فضا

¹ Lopes

² Haas & Mehaffy

³ Rossi

⁴ Whyte

⁵ Carmona

⁶ Low & Lveson

(بن و گاوس^۱، ۱۹۸۳؛ نمث و اشمیت^۲، ۲۰۰۷: ۲۸۹ و د ماگالهاس و تریگو^۳، ۲۰۱۷: ۷۵۰) و «شهرها برای همه» اصلی اساسی است (کارمونا، ۲۰۱۵: ۳۷۹)؛ اما این عرصه مهم شهری که زمانی وسیله بیان دموکراسی و ارزش‌های جامعه بود، به ابزار مهم سیاست شهری (ایبید^۴، ۳۸۲) و فروش یک شهر تبدیل شد (مدنی‌پور، ۲۰۰۳: ۲۰۵). که در پی آن، محدودیت‌های بیان دموکراسی (فرانسیس^۵، ۱۹۸۹: ۱۵۲)، فرآیندهای تبعیض‌آمیز (اتکینسون^۶، ۲۰۰۳: ۱۸۳۵؛ الین^۷، ۱۹۹۶: ۵۶ و اوک و تیزدل^۸، ۱۹۹۹: ۲۷۱) (۲۷۱) و فرسودگی فیزیکی و اجتماعی (کارمونا، ۲۰۱۰: ۱۳۲ و تیبالدز^۹، ۲۰۰۰: ۶۷). در فضا ایجاد شده است.

بروز عوامل فوق بیانگر فقدان یک سیستم سالم از فضای همگانی مرتبط با ساختار جامعه است (هاس و اولسون^{۱۰}، ۲۰۱۴: ۶۴) و در ماهیت وجودی شهری که جامعه‌شناسان و آرمان‌گرایان خواهان آن هستند، تردید به وجود می‌آورد؛ بنابراین تعاملات اجتماعی، یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان بوده و فضای همگانی به‌عنوان مکان بروز زندگی اجتماعی است که بر اساس مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته و بر پایه ارزش‌های انسانی تکامل می‌یابد (کارمونا و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۵۱). در نتیجه؛ مدیران باید از طریق طراحی و برنامه‌ریزی، کیفیت فضاهای شهری را بهبود ببخشند تا از تعامل پویا، تبادل اطلاعات، کسب تجربه‌های محیطی، امکان بیان خلاق افراد و گروه‌های حمایت‌کننده برخوردار شوند که این امر می‌تواند منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی، ماندگاری فعالیت‌های فردی-اجتماعی و در نتیجه رضایتمندی بیشتر و دستیابی به توسعه پایدار گردد (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۹ و د ماگالهاس و تریگو، ۲۰۱۷: ۷۴).

¹ Benn & Gaus

² Németh & Schmidt

³ De Magalhães & Trigo

⁴ ibid

⁵ Francis

⁶ Atkinson

⁷ Ellin

⁸ oc & tiesdell

⁹ Tibbalds

¹⁰ Olsoon

نظریه‌پردازهای اجتماعی که به دنبال زندگی بهتر و سعادت نوع بشر بوده‌اند همواره سعی می‌کردند انسان و محیط اطرافش را آن‌گونه که باید باشد معرفی نمایند و نه آن‌گونه که هست. به این طریق، نظریه‌پردازهای واقع‌گرا با بیان واقعیت‌های موجود در جامعه و آرمان‌گرایی همچون طالبوف، با نشان دادن جامعه آرمانی، انسان‌های عادی را به سوی کمال هدایت می‌نموده‌اند (رفعتیان، ۱۳۹۷: ۱۹). ارائه تصویر آرمانی از جامعه انسانی، به میزان زیادی به جهان‌بینی و دل‌بستگی‌های یک جامعه وابسته است. این تصویر گاهی برآمده از باورهای افراد با تفسیر خاص خود از بایدها و نبایدهای زندگی است و گاه حاصل تفکر اندیشمندانی است که در پی چاره‌جویی برای معضلات اجتماعی و دستیابی به عدالت و آزادی هستند (رفعتیان، ۱۳۹۷). در جامعه ایرانی نیز مانند سایر جوامع، انسان‌ها هرگز به «آنچه هست» خرسند نبوده‌اند و آن را می‌جستند که «باید باشد». با پیگیری اندیشه آرمان شهری در ایران می‌توان با شیوه تفکر و آرزوهای نیاکانمان بیشتر آشنا شد و بخشی از نگرش آنان را به هستی آدمی و زندگانی سیاسی و اجتماعی آن‌ها را دریافت (اصیل، ۱۳۹۳: ۹). این اندیشه‌ها، رستگاری، کامیابی و خیر برین هستند و می‌توانند موجب ارتقای کیفیت فضای شهری و شهر شوند.

مسئله پژوهش پیش رو؛ فهم و توصیف «مسائل و مشکلات روابط اجتماعی در فضاهای همگانی شهری» است و به این ترتیب به لحاظ روش‌شناسی در چارچوب پارادایم تفسیرگرایی قرار دارد و رویکرد آن کیفی است. ماکس وبر، فیلسوف آلمانی، یکی از جامعه‌شناسانی بود که استفاده از این پارادایم را در تحقیق گسترش داد. وی معتقد است اگرچه ممکن است امکان مشاهده مستقیم وجود نداشته باشد، اما با شناخت و بررسی عمیق می‌توان به درک و فهم یکپارچه مفاهیم دست یافت؛ بنابراین جهت دستیابی به قوانین، بدون قضاوت یا داوری ارزشی، باید در جست‌وجوی تفسیر معناهای موجود در متون بود (بلیکی، ۱۴۰۰). در این تحقیق، مفهوم «فضای همگانی» بازخوانی و شاخص‌های به‌دست‌آمده از مبانی نظری تحقیق که شامل نظریه‌های اندیشمندان واقع‌گرا در حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری نسبت به اصول و معیارهای ارتقای فضای همگانی است، تفسیر و توصیف شده‌اند. نظریه‌ها از سال ۱۹۳۴ الی ۲۰۲۲ میلادی، مورد بررسی قرار گرفته و در مدل نظری پژوهش، بر اساس ۵ بعد؛ سیاسی-مدیریتی، اجتماعی-فردی،

اقتصادی، مذهبی و بصری-زیبایی شناسی تفکیک شده‌اند. اندیشه‌های آرمان‌گرایی طالبوف تبریزی نیز با همین ترتیب تفسیر شد. در این راستا؛ هدف این پژوهش بررسی فضای همگانی اجتماع‌محور در اندیشه‌ی آرمان‌شهری طالبوف و تطبیق دیدگاه او با نظریه‌های واقع‌گرای مطرح‌شده در حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری، برای شناخت و معرفی عوامل مؤثر به جهت دستیابی به یک فضای همگانی موفق و پایدار است. این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که اندیشه‌های آرمان‌شهری طالبوف چگونه می‌تواند بر اساس نظریه‌های تئوری پردازهای واقع‌گرا در جهت ارتقاء فضای همگانی شهری مؤثر واقع شود؟

ملاحظات نظری

در این بخش ابتدا به بیان تعاریفی از فضای همگانی اجتماع‌محور و سپس نظریات اندیشمندان حوزه شهری، جهت تطبیق با الگوی آرمان‌شهری طالبوف پرداخته می‌شود و در مرحله بعد طالبوف، آرمان‌شهر و اصول حاکم بر اندیشه او با تأکید بر فضای همگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فضای همگانی

فضاهای همگانی از ویژگی‌های مهم محیط شهری پایدار هستند (نمت، ۲۰۰۹: ۲۴۷۵). زندگی در میان شهروندان، اساس فضای همگانی را ایجاد می‌کند (بودنار^۱، ۲۰۱۵: ۱۱) که از گوشه و کنار خیابان‌های غیررسمی گرفته تا میدان‌های سنتی و مجموعه‌های بزرگ رسمی (لی، ۲۰۲۰: ۳۶۸ و کارمونا، ۲۰۱۹: ۲۳) مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی عظیمی را به جوامع خود ارائه می‌دهند (کیب^۲، ۲۰۰۴). فضا برای «همه مردم» تعریف می‌شود (وارانا^۳ و تیزدل، ۲۰۱۰: ۵۸۳)، با توزیع عادلانه امکانات برای طیف شهروندان (نمت، ۲۰۱۲: ۸۳۲). به بیانی دیگر فضای همگانی برای همه قابل‌دسترس است و افراد را از جنسیت، درآمد، سن و گروه‌های فرهنگی مختلف

¹ Bodnar

² Cabe

³ Varana

جذب می‌کند (سندرکاک^۱، ۲۰۰۳؛ آیوسون^۲، ۲۰۰۶: ۷۹). مکان‌هایی که در آن، تنوع نژادی، طبقه سیاسی، ارتباطات و دموکراسی تجربه می‌شوند (هاس و میهفی، ۲۰۱۹)؛ بنابراین فضای همگانی نه تنها به عنوان مفصل محله‌های مختلف در شهر معاصر (فاینستاین^۳، ۲۰۱۰ و لو، ۲۰۱۳) بلکه به عنوان شاخصی از تنوع زیستی شهر عمل می‌کند. همه این اشکال تعامل و تبادل در هسته حیات عمومی پرجنب و جوش شهر هستند و در فضاهای همگانی می‌توان بیشترین مشاهده و تجربه را داشت (سزر^۴، ۲۰۱۷: ۱۶۶).

ساختار چند عملکردی فضای همگانی: در طول تاریخ فضاهای همگانی، به عنوان گره‌هایی یکپارچه برای پاسخگویی به انواع نیازهای ابزاری (فردی) و بیانی (جمعی) کارکرد داشته‌اند. امروزه فضاهای همگانی به عنوان مکان‌هایی برای رشد فرد و جامعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی-فردی، اقتصادی و کالبدی-بصری، بیانگری فردی و گروهی، گفتگو و مناقشه، گذران اوقات فراغت، برگزاری گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها، اعتراضات و تظاهرات، تأمین اقتصاد و تبادل اطلاعات مطرح‌اند. (مهتا و پالازو^۵، ۲۰۲۰: ۲؛ مهتا، ۲۰۱۴: ۵۵؛ هو، ۲۰۱۰: ۲ و مدنی‌پور، ۲۰۱۰: ۱۰). با تعریف فضای همگانی بر مبنای مالکیت و کاربری عمومی (بلک‌مار، ۲۰۰۶ و بلوملی، ۲۰۰۵: ۲۸۳). عملکرد آن شکل‌گیری و تقویت امور اجتماعی و سیاسی مشترک اعضا (عموم) شناخته می‌شود (میچل^۶، ۲۰۱۷: ۷۷). مفهوم «همگانی» در نظریه سیاسی با شهروندی، حوزه عمومی، دموکراسی و جامعه مدنی و در نظریه اجتماعی با صمیمیت، زندگی و تماس اجتماعی و حس اجتماع در ارتباط است (بانرجی، ۲۰۲۰: ۵۰۰). از سویی؛ به طور معمول فضای عمومی به شکل نمایشی با طیف وسیعی از کاربری‌ها آغاز می‌شود و اشکال متنوعی از کالبدها و نماها را به خود اختصاص می‌دهد که می‌تواند زمینه‌ساز گردش اقتصادی شود (کارمونا، ۲۰۱۰: ۱۷۱ و لوفور^۷، ۱۹۹۱: ۳۹). در تعاریف آرمان‌گرا، فضاهای همگانی،

¹ Sandercock

² Iveson

³ Fainstein

⁴ Sezer

⁵ Mehta & Palazzo

⁶ Mitchell

⁷ Lefebvre

مکان‌هایی با دسترسی بدون محدودیت و زمینه‌ی فعالیت فردی و گروهی همه‌ی مردم معرفی می‌شوند (جلال‌الدینی و اکتای، ۲۰۱۲: ۶۶۶ و اکتینسون، ۲۰۰۳: ۱۸۳۰). در نقطه‌ی مقابل تعاریف واقع‌گرا، مدعی خیالی شدن فضای همگانی با این ویژگی‌ها هستند، چون در نتیجه‌ی خصوصی‌سازی، تفکیک مکانی و اشکال مختلف طرد در روند تاریخی شکل‌گیری آن دسترسی آزادانه و دموکراتیک به‌طور کامل برای همه‌ی افراد وجود نداشته است (جانسون و گلور^۱، ۲۰۱۳؛ لوگر و لیس^۲، ۲۰۲۰: ۷۴ و کخ و لاتام^۳، ۲۰۱۲: ۴).

همان‌طور که بیان گردید؛ فضای همگانی دارای ماهیت پویا و چندگانه در ابعاد اجتماعی-فردی، اقتصادی، سیاسی-مدیریتی و کالبدی-بصری است و قابل تفکیک به فضایی صرفاً اجتماعی یا مطلقاً سیاسی و منحصرأ بصری نیست. نظریه‌پردازهای واقع‌گرا نیز اهمیت فضاهای همگانی را به‌عنوان عرصه‌ای مهم جهت رشد فرد و جامعه درک نموده‌اند و هرکدام با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، به یک یا چند ویژگی (بعد) حاکم بر فضا، توجه نموده‌اند؛ بنابراین در این پژوهش با بررسی نظریه‌های پژوهشگران واقع‌گرا، از سال ۱۹۳۴ الی ۲۰۲۲ میلادی، به تفهیم عوامل مؤثر بر ارتقای فضاهای همگانی از نگاه نظریه‌پردازها، پرداخته شده است. لازم به ذکر است انتخاب نظریه‌پردازها بر مبنای نظریه‌های آن‌ها نسبت به فضای همگانی است که بر اساس تاریخ، خلاصه‌ای از نظریه‌ها در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱- دیدگاه‌های نظریه‌پردازها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری درباره فضای شهری

سال	پژوهشگر	دیدگاه	مآخذ
۱۹۳۴	هربرتمید	وجود معانی قراردادی و نمادین در ارتباط‌های اجتماعی، انسان‌ها را از سایر موجودات متمایز می‌کند.	هربرتمید (۱۹۳۴)
۱۹۳۸	ورث	افزایش روابط اجتماعی موجب بهبود فرهنگ خواهد شد	ورث (۱۹۳۸)
۱۹۵۸	آرنت	گفت‌وگوی مداوم، موجب برقراری دموکراسی.	آرنت (۱۹۵۸)

¹ Johnson & Glover

² Luger & Lees

³ Koch & Latham

فضای همگانی شهری اجتماع محور در اندیشه آرمان شهری طالبوف / ۱۴۹

کالن: (۱۹۶۱)	فضای همگانی باید حاوی و متمایز باشد.	کالن	۱۹۶۱
جیکوبز (۱۹۶۱)	چشمان مراقب، به ایجاد امنیت می انجامد.	جیکوبز	۱۹۶۱
دورکیم (۱۹۶۴)	پایبندی اخلاقی، وجدان و آگاهی جمعی، پذیرفتن تفاوت‌ها و تقسیم‌کار در جامعه	دورکیم	۱۹۶۴
مارکس و انگلس (۱۹۷۳)	برقراری عدالت-تقسیم مردم به دو طبقه مبتنی بر تقسیم‌کار و ابزار تولید	مارکس و انگلس	۱۹۷۳
برگر و کلنر (۱۹۷۴)	تجلی تضادها و تناقض‌های زندگی عمومی و خصوصی	برگر و کلنر	۱۹۷۴
پال (۱۹۷۴)	کنش اجتماعی، تعیین‌کننده زندگی اجتماعی است	پال	۱۹۷۴
وبر (۱۹۷۸)	فضاهای شهری موتور تغییرات هستند که اتحاد و پیدایش نهادهای جدید در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد	وبر	۱۹۷۸
وایت (۱۹۸۰)	لزوم وجود عنصر سوم ارتباط‌دهنده؛ «پدیده مثلث».	وایت	۱۹۸۰
	تمرکز گردش سرمایه و میدانی برای نزاع طبقاتی	هاروی	۱۹۸۲
نمت و اشمیت (۲۰۱۱)	۱- دسترسی. ۲-عاملیت (سطح کنترل). ۳- علاقه	بن و گاوس	۱۹۸۳
برمن (۱۹۸۶)	تغییر در نظام‌های سیاسی و اجتماعی	برمن	۱۹۸۶
مک لالین و چاوویس (۱۹۸۶)	احساس تعلق خاطر؛ برقراری اجتماعی پایدار	مک لالین و چاوویس	۱۹۸۶
هابرماس (۱۹۸۹)	برابری، مشارکت، گفت‌وگو، نبودن سلطه مقامات دولتی، آموزش، کنش متقابل، منافع جمعی، عمل مشترک و آزادی	هابرماس	۱۹۸۹
بریل (۱۹۸۹)	کارکردهای سیاسی، اجتماعی، تجاری، مذهبی و اداری	بریل	۱۹۸۹
سنت (۱۹۹۰)	حضور اجتماعی گسترده، موجب ارتباط مؤثر	سنت	۱۹۹۰
گافمن (۱۹۹۰)	صحنه‌هایی برای اعمال رسمی و غیررسمی	گافمن	۱۹۹۰

۱۹۹۱	توماس	محل ملاقات، نمایش نماها و تصاویر، سیستم ارتباطی	توماس (۱۹۹۱)
۱۹۹۱	فوکو	کانون قدرت، درون ریه‌های اجتماع‌های شهری است	فوکو (۱۹۹۱)
۱۹۰۱- ۱۹۹۱	لوفور	فضا یک واقعیت اجتماعی است، نه موجود عینی یا ذهنی. فضا دربرگیرنده ابزار تولید، کنترل، سلطه و قدرت است.	باتلر (۲۰۱۲)
۱۹۹۲	بک	آگاهی، پرورش ذهنی، گفت‌وگو، یادگیری	بک (۱۹۹۲)
۱۹۹۳	زیمل	ارتباط بین فرهنگ عینی و ذهنی و ارتباط بین فرد و جامعه	زیمل (۱۹۹۳)
۱۹۹۴	گیدنز	ساختار اجتماعی، در حضور زمان و فضا به وجود می‌آید	گیدنز (۱۹۹۴)
۱۹۹۵	تونیز	زندگی دوستانه، خصوصی و خودی در مجاورت هم	تونیز (۱۹۹۵)
۱۹۹۷	بورديو	حوزه‌های عمومی «عادت واره‌ها» را شکل می‌دهند	بورديو (۱۹۹۷)
۱۹۹۸	لوفلند	مدارای اجتماعی، منجر به رشد شخصیت خواهد شد.	لوفلند (۱۹۹۲)
۱۹۹۹	اولدنبِرك	گفت‌وگو و مکالمه در مکان‌های سوم، به جامعه هویت می‌بخشد	اولدنبِرك (۱۹۹۹)
۲۰۰۳	میچل	مشارکت میدانی و صدای جمعی	میچل (۲۰۰۳)
۲۰۰۷	تالن	وجود تنوع، عدم همگن‌سازی و به حاشیه راندن	تالن (۲۰۰۷)
۲۰۰۸	فیچر و ایسون	طرح‌های منطقه بندی متنوع، موجب دستیابی به سرزندگی	فیچر و ایسون (۲۰۰۸)
۲۰۱۰	گل	چشم‌انداز زنده، امن، پایدار و سالم	گل (۲۰۱۰)
۲۰۱۰	فاینشتاین	شهر عادل، دربرگیرنده تفاوت‌هاست.	فاینشتاین (۲۰۱۰)
۲۰۱۳	موننگمری	بهبود رفاه و برقراری فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی	موننگمری (۲۰۱۳)
۲۰۱۵	زاراته	تنوع‌بخشی؛ موجب برقراری برابری و	زاراته (۲۰۱۵)

	عدالت.		
۲۰۱۷	جاستین و کانولی	احترام متقابل در کنار زندگی همگانی	جاستین و کانولی (۲۰۱۷)
۲۰۲۱	کاستلز	روابط قدرت «DAN» زندگی اجتماعی هستند.	کاستلز (۲۰۲۱)
۲۰۲۲	کاستلز	۱- فضای مکان‌ها. ۲- فضای جریان‌ها	کاستلز (۲۰۲۲)

آرمان شهر عبدالرحیم طالبوف تبریزی

انسان‌ها همواره از ابتدای خلقت در جست‌وجوی برترین‌ها هستند و این خصیلتی است که خداوند در ذات آدمیان قرار داده است. آرمان‌شهرها نوعی چارچوب و قالب اندیشیدن درباره مسائل حل‌نشده زندگی‌اند و از آرمان‌ها و آماج‌هایی سخن می‌گویند که بشر برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کند (اصیل، ۱۳۹۳: ۹). به بیانی دیگر، مصلحان اجتماعی برای سعادت‌مندی جامعه خود سعی می‌کردند تصویری ارائه کنند که نه تنها خواستنی بلکه دست‌یافتنی باشد. سازمان سیاسی و اجتماعی شهر آرمانی، حاصل اندیشه و تعقل انسان روشنفکر است. تفکرات آرمان‌گرایان بسیار گسترده و جامع است و از روش فرمانروایی، زندگی خانوادگی گرفته تا شیوه تولید و توزیع ثروت، آموزش و پرورش، هنر، ادبیات در قالب آرمان آن توصیف می‌شوند (اصیل، ۱۳۹۳: ۲۰). کارل مانهایم در کتاب ایدئولوژی و آرمان‌شهر خود آرمان‌شهر را تعارضی تعریف کرد در ناهماهنگی بنیادین با «وضعیت واقعی» یعنی وضعیتی که خود در آن پدید آمده است. آرمان‌شهر برخلاف باورهای پذیرش محافظه‌کارانه ارزش‌های حاکم، یکی از محرک‌های تاریخی یا «ماده منفجره‌ای» در دست «قشرهای اجتماعی معینی» است که برای تفوق خود به مبارزه می‌پردازند (روویون، ۱۳۸۵: ۸ و ۹)؛ بنابراین آرمان‌شهر دشمن فضای خصوصی انسان‌ها است و تنها شامل گروهی است که اشخاص در آن هوشیارند تا در برابر افکار عمومی نامطلوب ایستادگی کنند و یاد می‌گیرند که بر خودخواهی‌های خویش چیره شوند و قوانین را رعایت نمایند. «آدم نوین» دیگر انسانی تنها نیست بلکه گروهی از انسان‌ها است (روویون، ۱۳۸۵: ۱۳، ۲۱). مهم‌ترین ویژگی‌های آرمان‌شهر با این رویکرد، به شرح جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های آرمان‌شهر

ویژگی	تعریف
قانون	قانون محور اصلی جهان آرمان‌شهر و تنها نقطه مطلق ثابت سیستم آن است (روویون، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۸).
تأثیرپذیری	طرح آرمان‌شهر تصویر بازگونه‌ای است از نظام مستقر در همان حال. از معیارها و هنجارهای سیاسی-اجتماعی و شرایط جغرافیایی تأثیر می‌پذیرد و محصول فرهنگ‌های گوناگون است (اصیل، ۱۳۹۳: ۲۳).
انزوا	برای پرهیز از خطر تغییر در اثر تأثیر جوامع دیگر است که بسیاری از طراحان آرمان‌شهر، آموشد باشندگانش را از بیگانگان محدود می‌کنند (اصیل، ۱۳۹۳: ۲۷).
ایستایی	آرمان‌شهر تصویری از کمال مطلق و حرکت از کامل به کامل از دیدگاه منطق ناشدنی است (اصیل، ۱۳۹۳: ۲۷).
استقلال	مانند ماشین که مستهلک نمی‌شود جاودانه کار می‌کند و برای آن‌که تا ابد بر پایه قواعد ثابتی که سازمان دهنده آن‌اند به کارش ادامه دهد، به هیچ‌کس جز خود نیاز ندارد (روویون، ۱۳۸۵: ۲۶).
هماهنگی	هر کار و رفتاری طبق قانون یا سنت باید هماهنگ و همانند با همه شهروندان صورت گیرد (اصیل، ۱۳۹۳: ۲۹).
برابری	آرمان‌شهرگرایان، برابری را محکومیت عوامل مسبب فقر و ضرورت رفع آن می‌دانند. (روویون، ۱۳۸۵: ۲۷).

تصور «کمال ساخته انسان» که محور اصلی اندیشه آرمان‌شهر است، بدون در نظر گرفتن شرایط زندگی آدمیان و محیط طبیعی و تاریخی‌ای حاکمی که در آن رشد نموده است، امکان‌پذیر نیست. در این راستا به معرفی خلاصه‌ای از زندگی‌نامه عبدالرحیم طالبوف تبریزی و کتاب منتخب او به‌عنوان رهنمود این پژوهش، پرداخته می‌شود.

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی نجار زاده در سال ۱۲۵۰ ه.ق در محله سرخاب تبریز به دنیا آمد. طالبوف، در شانزده‌سالگی به تغلیس رفت و به تحصیل دانش پرداخت. بعد از چند سال به ترمخان‌شوره، مقر حکومت داغستان رفت و در آنجا با فعالیت‌های اقتصادی توانست خود را از طبقه متوسطی که در آن بزرگ‌شده بود، به طبقه مرفه جامعه برساند. در سال ۱۳۱۷ ه.ق به تهران آمد. طالبوف از روشنفکرها مشروطه خواهان دوره قاجار بود. در ایران عصر قاجار، شاه قدرت مافوق بوده است؛ همه‌چیز با شاه آغاز

می شد و با او نیز پایان می گرفت. در آن زمان، ایرانیان به ضعف اجتماعی و اقتصادی خود در روند حرکت جهان آگاهی یافته بودند. بر این اساس مهم ترین تغییر این عصر، تغییر در تفکر سیاسی، اجتماعی و شیوه نگرش مردم به زندگی بوده که به تغییر نسبی در ساختار سنتی قدرت انجامید (پهنادایان، ۱۳۹۶: ۱۷۵). در آن روزها، «مشروعیت الهی شاهان»، مورد تردید قرار گرفت و «قانون»، به عنوان معیار مشروعیت، جایگزین آن شد؛ اما این قانون در عمل مشروعیت عام نیافت (مذاکرات مجلس در دوره اول تقنینه مجلس شورای ملی: بی تا-۱۲، شیخ فضل الله نوری، ۱۳۷۴: ۱۵۸-۱۶۰-۱۶۶) و نتوانست ساختاری نظام مند و مردم مدار پدید آورد (کسروی، ۱۳۴۰: ۱۰۳). خانه او، انجمن اهل دانش، فکر و سیاست بود. در سال ۱۳۲۴ ه.ق از تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. طالبوف از مشروطه خواهان دوره ناصری بود. از نظر سیاسی؛ وی نظرش بر دموکراسی اجتماعی استوار بود که ترکیبی از دو تفکر اصلی لیبرالیسم سیاسی و سوسیالیسم است؛ بنابراین به همان اندازه که بر مقام، حقوق آزادی انسان و حاکمیت ملی که منشأش از فلسفه لیبرالیسم است تأکید داشت، بر حقوق مساوات اجتماعی نیز تکیه می کند. آزادی را «حقوق الزامی و طبیعی» هر شخصی می داند و آن را «متحدالمساوات» معرفی می نماید. منبع دانش او در علوم طبیعی، تألیفات روسی و ترجمه نوشته های اروپایی است؛ اما در دانش اجتماعی و سیاسی، به آثار متفکران فرانسوی و انگلیسی سده هجدهم و نوزدهم توجه دارد. در نوشته های خود به روشنگری می پرداخت و معایب استبداد و لزوم مشروطه را برای مردم بیان می نمود. پایه های تفکراتش بر برهان عقل استوار بود. اعتقاد داشت دانش ما از جهان خارج تنها از تجربه عینی به دست می آید. به گفته وی «تنها دلیل تفاوت انسان ها از دیگر جانوران، این است که جویای سبب می شوند و از اکتشاف حقایق اشیا برمی آید» (آدمیت، ۱۳۶۳).

مسالک المحسنین، سفرنامه ای خیالی است که طالبوف از آن به عنوان خوابی شیرین یاد می نماید و در قالب این خواب، دنیای آرمانی اش را به تحریر درآورده است. از این رو این نوشتار شامل اندیشه های فلسفی و اجتماعی است که به صورت گفت و شنود خیالی میان دو مهندس، یک طبیب و معلم شیمی نوشته شده است. این گروه در سال ۱۳۲۰ ه.ق از طرف اداره «جغرافیایی موهومی مظفری» به قله کوه دماوند رفته اند تا شرایط

-بعد بصری و زیبایی‌شناسی

کالبد فضای همگانی در کتاب مسالک‌المحسنین طالبوف، در تنوع گوناگونی توصیف‌شده است. طالبوف کوچه‌باغی با کاربری فضای همگانی را توصیف نموده و بیان می‌کند: «این کوچه‌باغ تقریباً ۵۰۰ ذرع (۵۲۰ متر) طول و ۳۰ ذرع (۳۱ متر) عرض دارد. از دو طرف با طول مسافت آب صاف چشمه جاری است و بستر جریان نهر سراسر مرمر سفید ساخته‌شده. با طول نهر ۴ قطار (ردیف) درخت (آکاس) با گل‌های زرد چون خوشه انگور آورده، کاشته‌اند. راهرو خیابان را چون قالی خوش‌نقش سراسر با خشت‌های کاشی معرق فرش کرده‌اند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۳). به فاصله‌ی مساوی تخت‌های نشیمنی، از دو طرف راه، مجسمه معارف تاریخی ایران را از مرمر سفید حجاری نموده، روی زیرستون‌های مرمر کبود نصب کرده‌اند. در میان مجسمه‌ها به تناسب مسافت، هیئت و هیکل پهلوان‌های قدیم و سلاطین سلف را سواره و بعضی زره‌پوش با اسلحه قدیمی و البسه عصر خود، از برنج و چدن، ریخته و گذاشته‌اند که بیننده از نقاشی و حجاری آن‌ها متحیر می‌ماند. ستون‌های چراغ ۱۰ ذرع (۱۰۴۰ متر) بلندی، سراپا با سبزه‌های الوان پیچیده و پوشیده، فقط از سرستون‌های شیشه‌ی امرودی چراغ، چون الماس کوه نور از میان سبزه در روز، روشنی خود و شب‌ها پرتو نور برقی را سرورافزای قلوب متفرجین می‌نماید. ستون‌های بلور آب‌پاشی، طول خیابان چنان نصب‌شده‌اند که هرکس دوگمه برجسته او را که در کمال خوش وضعی نمایان است، فشار بدهد مسافت قسمت خود را در یک لحظه آب است و مرطوب می‌کند و همان‌قدر به روح اشجار می‌افزاید (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۴). در وسط خیابان حوضی است که فواره آن ۳۰ ذرع (۳۱ متر) بالا رفته (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۵). طراحی و ساخت آن‌ها به‌گونه‌ای است که در چندین سال هیچ صدمات خرابی به آن‌ها نرسد و این دلیل کمال استعداد و مهارت معماران است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۴). در بخش دیگری از کتاب فضایی را توصیف می‌نماید که در خارج از شهر برای استفاده و استراحت همگانی شهروندان است؛ «همه‌جا سبزه و گل‌های الوان و بوته‌های زرشک خودرو است که خوشه‌هایش چون سنبله یاقوت از پرتو آفتاب برق می‌زند و برگ‌های زمردی خود را شفق نیم رنگ خوشایند می‌اندازد. سرچشمه بالای کوه اطراف تا چشم کار می‌کند درخت انار، امروود (گلابی)، گردو و تاک

(انگور) خودرو است که به درخت‌های بلوط و کاج پیچیده و بالا رفته خوشه‌های غوره آویخته از اول بهار اینجا را غرق کرده‌اند. چشمه‌های کوثری در هر قدم جاری، منظره همه‌جا مثل قالی خوش‌رنگ سبز الوان، عطر ریاحین و روایح اظهار نمونه روضه رضوان» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۰۹).

- بعد فردی و اجتماعی

از نگاه طالبوف، رعایت برخی اصول قواعد در فضاهاى عمومی، موجب پایداری و استقبال بیشتر مردم خواهد شد. این اصول عبارت‌انداز:

تقسیم‌کار اجتماعی: طالبوف معتقد است از هیچ‌کس نباید بیش از توانش انتظار داشت: «تکلیف خدا بر بندگان به وسعت طاقت نفوس ایشان است. روغن‌ها را باید از شیر خواست، نه از آب. فیاض عالم پرتو آفتاب است، نه مهتاب. از معلم بی‌سواد منتظر تربیت اطفال بودن، بی‌شعوری است. تکالیف نفوس باید درخور استطاعت و استعداد آن‌ها باشد» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۵).

مدارا و احترام متقابل در عین تفاوت: در کتاب از لوح‌هایی نام‌برده است که از سمت پروردگار بر پادشاه نازل می‌شود؛ لوح هشتم؛ «انسان را چهار گونه آفریدم سفید سیاه سرخ و زرد. لغات و البسه آن‌ها را مختلف نمودم، طبایع آن‌ها را تباین دادم، در طبق هوای مسکن آن‌ها لباس و غذا مهیا کردم، ایشان را اقوام و ملل منشعب ساختم» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۸۸). در بخشی دیگر، نسبت به خودسری و خودخواهی می‌گوید: «گاهی وقتی می‌بینیم شخصی اثبات ایراد خود را از ادله سوری می‌تراشد، به من ناگوار آید که شخصی بادانش چرا این‌قدر در اثبات عقاید باطل خود اصرار دارد. باید دانست که هر کس هر چه می‌داند او را حق می‌پندارد و هر طایفه هر چه دارد به او خشنود است پس بهتر است هرکس رأی و دلیل خود را واضح و ساده بگوید و در عدم قبول لکم دینکم ولی الدین را میزان عمل نماید» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۰-۱۹).

حس تعلق و مشارکت: طالبوف تبریزی در خیالش، ده کوچکی را مثال می‌زند به نام «بایسنقور» و بیان می‌دارد: کدخدای ده، بعد از پذیرایی مفصل گفت ده ما از منازل عرض راه نیست ما هنوز به فروختن آن خود معتاد نشده‌ایم، از خدا می‌خواهم مهمان وارد شود

و گوشه‌خانه محقر من را منور سازد. کدخدای، محض اینکه تبعه روغن و سایر حاصل خودشان را به سلم نفروشدند و ارزان ندهند، به ضمانت پانزده نفر ریش‌سفید، سیصد تومان استقراض نموده و برای خودشان بیت‌المال درست کرده‌اند، به قدر احتیاج هرکس قرض می‌دهند. این احتیاج بیشتر دادن مالیات است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۱۸). در بخش دیگری از کتاب، با دیدی وسیع‌تر بیان می‌نماید: «منافع زندگی عمومی و ملت آسیا مشترک است و همه آن‌ها چون اعضای یک بدن به معاونت و محبت یکدیگر محتاج و مجبورند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۵۸). سپس به اهمیت تجربه شهروندان اشاره می‌نماید: «معلوم است اساس اکثر معلومات همان تجارب مردم است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۷۹).

اخلاق‌مداری: طالبوف اولین شرط علم و حکومت را اخلاق‌مداری می‌داند و بیان می‌دارد: «مقصود از مدرسه و تعلیم؛ توسعه خیال، کسب شرف و تهذیب اخلاق است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۵). در بخش دیگری خطاب به حاکم شهر می‌گوید: «کثرت ظلم و فساد داعی، غضب خدا یعنی نفرت عمومی و تولید نفاق می‌کند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۳۵).

تلاش و کوشش برای دستیابی به هدف: طالبوف با اشاره به آغاز سفر با دوستانش به قله کوه دماوند بیان می‌نماید: «در ساعت مقرر به جهت سفر، جمع شدیم و به راه افتادیم. رسیدیم به دم چارسو که باید از میانش عبور می‌کردیم. دیدیم غوغای بزرگی برپاست. از میان بازار طناب کشیده‌اند. آن‌سوی طناب قریب پنجاه نفر باهم در زدو خورد است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۵). «مصطفی گفت بیایید برگردیم، آخر این سفر ما خوب نمی‌شود. دو سه روز مکث کنیم و بعد برویم. آنچه اولش بد آمد، آخرش نیز بد می‌شود. گفتم تطیر از شخصی مثل شما قبیح است، مرد نباید از حوادث عالم، وانگهی عادی و بازار وحشت نماید، مال کار خود را فال بد بزند. این‌ها کار جهال است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۷-۸).

حفظ حریم شخصی: نامه‌رسان چند نامه به طالبوف می‌دهد: «در میان کاغذجات من پاکتی بود خطش را نشناختم، مهر نداشت، اول او را باز کردم. معلوم شد مال من نیست، مکتوب محمد است. از رفقای او به‌عنوان من نوشته که به او بدهم. دادم عذر خواستم، منفعل شدم که چرا روی پاکت را درست نخواندم» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۲۴).

کنترل خشم و خشونت: طالبوف در بیان اخلاق پسندیده می‌گوید: «اگر به کسی مکتوب سخت بنویسم، او را همان روز نمی‌فرستم. می‌گذارم سر میز کتاب، چند ساعت می‌ماند، غیظم فرونشیند، بار دیگر می‌خوانم پاره می‌کنم و دیگری را می‌نویسم. اگر باز قلم سرکشی کرد، همین‌طور را می‌کنم... . اتفاق افتاده که یک مکتوب را ۱۰ بار نوشته، گذاشته پاره نموده. چند روز دیگر گذرانیده‌ام و زحمت تکرار نوشتن را عوض خسارت دل‌رنجی و ندامت و انفعال خود دانسته‌ام» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۲۶-۲۲۵).

علم و آموزش: طالبوف معتقد است علم را باید آموخت حتی از مناطق دوردست: «سبب اصلی ترقی ملل مغرب‌زمین این است که آفتاب علم و صنعت از مغرب طالع شده» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۴۲)؛ بنابراین «لزوم استادان ماهر و رجال عالم و کافی و صادق، در مرکز مملکت تشکیل اداره محیرالعقول سلطنت مشروطه از جریمک ملزوم متعاقب لزوم دیگر، ملت را به احداث مدارس و مکاتب و تولید و تربیت علمای علم معاش و اخلاق که ملت خود را صدسال قبل از وقوع به حوادث آینده مطلع و مسبوق نمایند، ضروری است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۳۲).

-بعد سیاسی-مدیریتی

طالبوف معتقد بود مدیریتی پایدار است که در پی عدالت، قانون، دموکراسی، آزادی بیان و امنیت باشد:

دموکراسی: طالبوف مجلسی که همیشه آرزوی برپایش داشت را این‌گونه توصیف می‌نماید: «زنگ اخبار را زدند، اعضای مجلس در سر میز کتابت که دورش صد نیم‌کت نهاده شده، هرکس در جای خود ایستادند. اعلیحضرت اقدس از روی تخت برخاست و فرمود: در حضور شما من که پادشاه موروثی این ملک هستم اعتراف می‌کنم که اداره ایران غیرمنظم است. تبعه که ودیعه خدا است، از سرنوشت خود شاکی است، از بدسلوکی حکام متفرق می‌شوند و از وطن خود به تنفر تمام هجرت می‌نمایند؛ اما خدا شاهد است بعد از جلوس یک روز از خیال سعادت ملت و نشر آزادی و مساوات و تحدید حقوق و تعیین حدود غافل نبودم. (ولی بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول)» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۶۱-۲۶۰).

آزادی بیان: شاه در مجلس بیان می‌نماید: «هرکس هر چه می‌داند آزاد بگوید، نترسد، نهراسد، خواجه‌تاشانی نکند، غرض شخصی نداشته باشد» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۶۱). در بیان ترقی دیگر کشورها نسبت به آزادی می‌گوید: «روزنامه‌های روز دل‌کاسه (یکی از وزرای روس) را معذول کرد، چیزخور به قلم داد» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۹۵).

امنیت: از موفقیت اروپا یاد می‌نماید: «در بلاد اروپا مردم از مال و جان و حیثیت خود امنیت دارند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۷۴). در بخش دیگری از کتاب به عدم امنیت در تاریکی شب اشاره می‌نماید: «از خواب بیدار شدم، درخواستم، خانه تاریک، چراغ مفقود، کبریت نیست، در این ظلمت شب کجا بروم؟ چه بکنم؟ تا بیرون از خانه قدم گذاشتم دوچار عسس بی‌داروغه می‌شوم» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۶۲).

قانون: به ضرورت و اهمیت قانون اشاره دارد و بیان می‌نماید: «علت اصلی ترقی ملل مغرب‌زمین قانون ایشان است که خود ملت برای مسئله امور خود وضع می‌کنند و حکومت اجرا می‌نماید (طالبوف، ۱۳۵۶: ۴۲). شرع بی‌قانون روح بی‌قالب و اراده بی‌آمر است. قانون احیای نظم می‌کند و تولید سعادت می‌نماید (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۵۹). نبود قانون را علتی برای ناموفق بودن می‌داند: «حکیمی می‌گوید در مملکت بی‌قانون اساس زندگانی متزلزل است سعادت و برکات نیست نام متمدنی بر آن ملک و ملت خلاف است (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۰۷).

عدالت، برابری و مساوات: به اروپا به‌عنوان کشوری پیشرفته اشاره دارد: «هر ایرانی که وطن خود را مثل بلاد اروپا بخواهد، آرزوی آزادی و مساوات آن‌ها را بکند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۴۱). وی پیشنهاد می‌دهد: «اختلاف سوری باید به اتحاد معنوی تبدیل گردد، هرکس صلاح خود را صلاح غیر داند و محبت دیگری را محبت خود شناسد، بساط مدنیت برقرار شود و ریاست عدل و صدق استقرار یابد، قضاوت و اقامه شهود لازم نگردد و نقض اقوال و عهد از کس سر نزند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۸۹).

قدرت: پس از برگشت از سفر، به دیدار وزیر می‌رود تا دستاوردهایشان را شرح دهد: «وزیر راپپورت مرا گرفت، خواستم بعضی بیانات و توضیحات بکنم که با زحمت ما آشنا بشود. گفت: می‌دانم... سکوت کردم. گفت این را سفیر انگلیس خواسته بود که شما را مأمور کردم وگرنه برای ما دانستن عرض و طول معدن یخ و ارتفاع قله دماوند

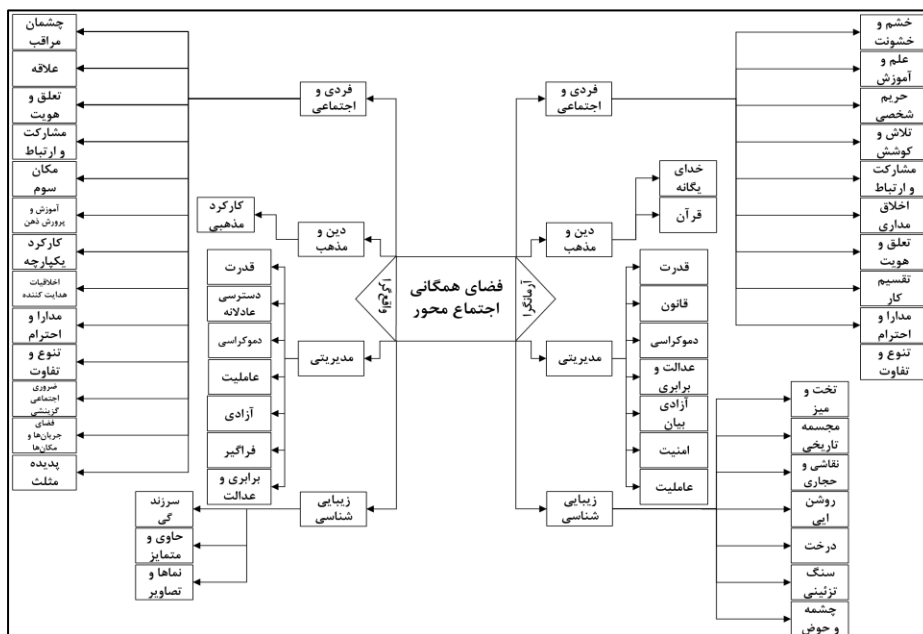
لزومی ندارد، ما اول کار زمین را بسازیم بعد به آسمان پردازیم. سفیر انگلیس با مخارج ما و زحمت‌های شما می‌خواست خدمتی به هیئت جمعیت جغرافیای ملکه انگلیس بکند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۴۸).

-بعد اقتصادی

طالبوف در توصیف سرزندگی بازار می‌گوید: «برخاستیم آمدیم بازار، دکان عطاری در کنار دکان کله‌پز بود (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۳۰). به سوی دکان نان پز رفتیم، دکاندار آشنا بود، مساعدت نمود (طالبوف، ۱۳۵۶: ۶). چکمه‌ها را برداشتیم، رفتیم دم کوچه، در دکان مختصری دو نفر نشسته کار می‌کردند، یعنی به کفش‌ها پینه می‌زدند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۵۸).

-بعد دینی و مذهبی

طالبوف در مورد دین و مذهب این‌گونه نوشته است: «بوکل معروف، در تاریخ «سیویلیزاسیون» انگلستان می‌گوید: هوای مملکت و عقاید مذهبی هر ملت مقیاس ترقی آینده آن‌ها است. اول وسیله تحریک غیرت و کفایت نوع بشری احتیاج و صعوبت زندگی و معیشت اوست و دوم نتیجه غیرت و کفایت وضع قوانین و استقرار آزادی و اطمینان مال و جان است. بعد از آن به تبع رفع احتیاج و دفع موانع صعوبت خودبه‌خود به عمل آید.» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۳۱). در بیان اهمیت خداوند یکتا، قرآن و ائمه می‌گوید: «قدمت فقط مخصوص یک وجود واجب قدیم و کلام او که قرآن مبین است است، باقی از افعال و اقوال، همه متغیر و حادث است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۴۳). «رنان معروف فرانسوی، می‌گوید اگر کسی بخواهد به کتاب منزل اعتقاد بکند فقط قرآن است زیرا این کتاب بی تحریف و عصر ما رسیده و در حضور مبعوث تبلیغ و ضبط شده که کتب دیگر منصوب بر آسمان این امتیاز را ندارند» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۳۹). «وقت است که ما قدری خدا و رسول را بشناسیم، معنی احکام را بدانیم، بدعت و تحریف را از اصلاح و تکمیل فرق بدهیم و معتقد باشیم که همه شرایط و قوانین برای هدایت؛ یعنی ارائه صراط المستقیم زندگی نوع انسانی است، نه برای تراشیدن ثروت و تردید و اشکال و نادانی» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۴۸).



شکل ۳. مقایسه و تطبیق ابعاد و شاخص‌های نظریه‌های مطرح‌شده در حوزه‌های جامعه‌شناسی و

شهری با طالبوف

بحث و نتیجه‌گیری

طالبوف در آرمان‌شهر خیالی‌اش به ابعاد کالبدی-زیبایی‌شناسی، سیاسی-مدیریتی، فردی-اجتماعی و مذهبی-اعتقادی، توجه داشته و در مثال‌ها و بیان‌های گوناگون سعی نموده تا جهت و صحت افکارش را به خواننده القا نماید. پژوهش حاضر در این بخش در نظر دارد؛ ابتدا به شفاف نمودن معانی و استدلال‌های وی از جهان‌پیرامونش و اصول حاکم بر آن، سپس به مقایسه دیدگاه او و عناصر قابل‌توجهش در فضاهای همگانی با نظریه‌پردازهای حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری و درنهایت نوع نگاه آرمان‌شهری وی، بپردازد. در این راستا، پس از تحلیل توصیفی از نوشته‌های طالبوف، نتایج حاصل از تحلیل با استفاده از نرم‌افزار «اتلس‌تی» می‌گردد.

جدول ۵. تحلیل اصول حاکم بر فضای همگانی از نگاه طالبوف (مآخذ: نگارندگان)

ویژگی	تحلیل
بعد بصری و زیبایی شناسی	
آب چشمه	آب نماد پاکی و چشمه جوشان نماد پاکی مطلق - نماد ایران باستان
نهر مرمر سفید	شفافیت جهت انعکاس بیشتر زلال بودن و پاکی آب
چهار ردیف درخت در اطراف. دیواری از دریای سیاه. دروازه و قراول	فضای حاوی و متمایز، ایجاد حس محصوریت، امنیت ذهنی و تعلق خاطر
قالی خوش نقش - کاشی معرق	بازنمایی هنر ایرانی - اصالت - ترکیب در کنار تفاوت و ایجاد وحدت
تخت های قوسی و میز	این تخت ها دارای فرم قوسی هستند تا آرامش را که از ویژگی های بارز شکل «دایره» است را به رهگذران القا نمایند و موجب حضور و ارتباط بیشتر آن ها در فضا گردد.
مجسمه معارف تاریخی ایران از مرمر سفید، زیرستون ها مرمر کبود	ترکیب آبی و سفید؛ نماد آبی آب و سپیدی آسمان، رحمت، بی کرانی و بی انتها بودن است که این ویژگی ها را به معارف تاریخی ایران نسبت داده است.
مجسمه پهلوانان قدیم و سلاطین، با اسلحه قدیمی و البسه عصر خود. از جنس برنج و چدن	استفاده از المان های تاریخی جهت بازنمایی فرهنگ، تمدن و اصالت ایران باستان و جنس برنج و چدن که نماد استقامت، ایستایی، پایداری و جاودانگی آنان بوده است.
نقاشی و حجاری متحرکننده	حجاری روی سنگ از اولین هنرهای انسان های نخستین بوده که بسیار قابل ارزش است. نقاشی نمایانگر هنر اصیل ایرانی است، ویژگی های نقاشی در دوره قاجاریه در ایران «رئال» بود و متأثر از غرب و در پی بیان واقعیات زمانه با جزئیات دقیق و وسعت و اندازه بزرگ.
ستون های چراغ الکتریکی پیچیده شده با سبزه الوان	ایجاد نور، حتی در شب. نماد هدایت و امید در دل ظلمت. سبزه الوان نماد زندگی و عشق؛ و از نگاه طالبوف: «شب ها پرتو نور برقی، سرورافزای قلوب متفرجین».
سرستون های شیشه ای امرودی، چون	الماس، نماد استقامت و ارزش است. بالای سرستون،

الماس کوه نور	بیانگر آن است که دسترسی به آن به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. تشبیه به کوه نور به معنای طی کردن مسیر سخت و طاقت‌فرسای کوه است جهت رهایی از ظلمت و دستیابی به روشنایی و سعادت.
فشار دادن دگمهٔ برجستهٔ ستون‌های بلور آب‌پاش توسط رهگذران	اختیار و کنترل، دو اصل بسیار مهم جهت رضایت شهروندان از مکان‌های همگانی به شمار می‌رود. این امر یکی از ویژگی‌های مهم دستیابی به آسایش حرارتی در فضاهای همگانی شهری است.
حوض آب و فواره	جهت انعکاس آب، انتقال برکت، وسعت و بزرگی آسمان به زمین. مطبوع نمودن هوای اطراف. فواره نماد اوج و حرکت به سمت پیشرفت.
طراحی زیبا و مقاوم معماران	ارزش نهادن به نقش مهم معمار در ساخت بناها و مکان‌ها
بوته زرشک و سنبله یاقوت	استفاده از رنگ قرمز در توصیف؛ نماد استقامت، صلابت و پایداری
برگ‌های زمردی	رنگ سبز برگ؛ بیانگر زندگی جاودانه و طراوت
درخت سیب انبوه، سیاهی ممتد	درخت میوه؛ نماد ملت. سیاهی ممتد؛ پربار بودن و برکت و وسعت.
درخت‌های میوه	انار؛ نظم و هماهنگی. گردو؛ استقامت و پایداری. انگور؛ خرد و حقیقت. امرود (گل‌ابی)؛ برکت. بلوط؛ استقامت و بردباری. کاج؛ جاودان و نامیرا.
چشمه‌های کوثری	اشارهٔ مستقیم به بهشت
عطر ریاحین و روایح؛ روضهٔ رضوان	بوش خوش به‌مانند بهشت. ایجاد حس تعلق از بعد حس بویایی
ترکیب رنگ‌ها	از رنگ‌های اصلی استفاده نموده؛ و زیبایی‌های طبیعی را به سنگ‌های قیمتی‌ای مانند؛ یاقوت، زمرد، مرمر کبود و مرمر سفید تشبیه نموده است. این امر، نماد اصالت ایران و تجزیه‌ناپذیر بودن وحدت ایرانیان به علت سرسختی به‌مانند سنگ است.
بعد مدیریتی	
قدرت	به کشورهایی که آن زمان بر ایران سلطه داشتند اشاره

نموده و بیان می‌کند که حتی تحقیقات علمی ما، برای جلب رضایت آن‌ها بوده است و نه مملکت خودمان.	
قانون علت اصلی ترقی و دستیابی به سعادت و موفقیت است و نبودش زندگی را متزلزل می‌نماید.	قانون
مهم‌ترین اصل برقراری دموکراسی را به وقوع پیوستن مجلسی مردمی می‌داند که نمایندگان مردم بتوانند بدون ترس، موضع خود و شهروندان را بیان کنند و با همفکری حاکم و عدالت به قوانین پایدار دست یابند.	دموکراسی
عدل، آزادی و مساوات را بارزش‌ترین دارایی یک ملت می‌داند و راه دستیابی به آن را اتحاد مدنیت، محبت به غیر و صداقت، بیان می‌کند.	عدالت و برابری
آزادی بیان را لازم می‌داند، اما تأکید دارد که با غرض شخصی نباشد.	آزادی بیان
برقراری امنیت را از وظایف دولت و مدیران می‌داند	امنیت
بعد فردی و اجتماعی	
راه کنترل خشم را در صبر می‌داند.	خشم و خشونت
علت اصلی ترقی ملت‌های جهان را علم و آموزش می‌داند.	علم و آموزش
حفظ حریم شخصی در فضای همگانی، موجب پایداری ارتباط خواهد شد.	حریم شخصی
یکی از مهم‌ترین موانع در راه موفقیت جهل است، مانند خرافات.	تلاش و کوشش
معتقد است اخلاق آن‌قدر بارزش است که می‌تواند به‌عنوان تنها هدف آموزش در نظر گرفته شود. ظلم و فساد را مهم‌ترین عامل خشم خداوند و نفاق در جامعه بیان می‌کند.	اخلاق‌مداری
حس تعلق موجب موفقیت ملل خواهد شد.	حس تعلق
منافع عمومی مشترک است و همه باید به یکدیگر کمک کنند؛ مانند موجی که سنگ در آب ایجاد می‌کند.	مشارکت و گفت‌وگو
مشارکت در جامعه الزامی است؛ اما از هرکس نباید بیشتر	تقسیم‌کار

<p>از توانش انتظار داشت.</p>	
<p>به خواست خدا، همه نوع انسان در جهان آفریده شده است؛ بنابراین باید تفاوت‌ها را پذیرفت و بیان می‌کند؛ اگر قرار باشد هر کس صرفاً حرف خود را صحیح بداند، جامعه از هم فرومی‌پاشد و هیچ‌گونه اتحادی رخ نخواهد داد.</p>	<p>مدارا و احترام</p>
<p>بعد اقتصادی</p>	
<p>در چندین قسمت از کتاب به بازار به‌عنوان عضو ثابت فضای عمومی اشاره نموده و کاربری‌های گوناگون را در کنار هم در بازار توصیف نموده است. تا به‌موجب تنوع، فضاهای عمومی سرزنده‌تر و پررفت‌وآمد تر باشند.</p>	<p>بازار</p>
<p>بعد دینی و مذهبی</p>	
<p>اهمیت دین را در اعتقاد به خداوند و قرآن می‌بیند و بیان می‌کند عقاید مذهبی اگر به‌درستی اعمال گردد، موجب برقراری عدالت، قوانین، آزادی، امنیت و درنهایت ترقی و پیشرفت می‌گردد.</p>	

در نهایت تطبیق و مقایسه اندیشه‌های طالبوف با نظریه پردازان شهری بر مبنای مؤلفه‌های برآمده از چارچوب نظری پژوهش صورت گرفت که خلاصه‌ای از آن بدین شرح است.

-بعد بصری- زیبایی شناسی:

نظریه پردازهای حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری، از این بُعد به شاخص‌هایی همچون سرزندگی، حاوی و متمایز، محصور، وضوح، مکان نمایش نماها و تصاویر، توجه داشته‌اند. طالبوف نیز از فضای همگانی، در مکانی نسبتاً متمایز از هیاهوی شهر، اما هم‌جوار با آن (حاوی و متمایز و فراگیر) یاد نموده و معتقد است در این مکان‌ها باید از مجسمه‌های تاریخی-فرهنگی و دیگر نمادهای سرزمین (نمایش نماها و تصاویر)، بهره گرفت. او برای به وقوع پیوستن سرزندگی، به بیان بارزترین جزئیات جهت تحقق این مهم، (از قطرات آب به مانند الماس گرفته تا شکل برگ درختان، ترکیب رنگ گل‌ها، نوع میز و صندلی و سایه‌ها و...)، پرداخته است. البته هنر معماری و شهرسازی، ایرانیان از دیرباز به تزیین در کنار کاربرد توجه داشته است؛ زیرا معتقد بودند زیباسازی برای حفظ و ایجاد سرزندگی شهر و شهروندان بسیار مؤثر است.

-بعد سیاسی-مدیریتی: سخنان طالبوف در این بُعد را تقریباً می‌توان همسان با گفته‌های نظریه پردازهای حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری مطرح شده در پژوهش پیش رو در نظر گرفت. قابل توجه است که گویه‌ها و تعاریف مدنظر وی مطابق با مسائل و مشکلات مورد توجه قرن حاضر است. از نظر سیاسی و مدیریتی، هدف طالبوف پرداختن به معایب استبداد، لزوم مشروطه، دموکراسی، مشارکت شهروندان و دادن اختیار به آنها بوده که بدون ترس و وا همه به بیان این مسائل پرداخته است که این عوامل نشان از اندیشه و فکر توسعه یافته و ترقی خواه آرمان شهرگرای ایرانی تبار دارد.

-بعد فردی-اجتماعی: این بُعد در گویه‌هایی مانند گفت‌وگوی مداوم، اخلاق‌مداری، مدارا، آموزش، تنوع و تفاوت و وجود و برقراری فعالیت‌های گوناگون (مکان سوم)، حریم شخصی، حقوق و مساوات اجتماعی، با نظریه‌پردازان معاصر دارای شباهت و

همفکری هستند؛ اما اکثر نظریه‌پردازهای حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری، حضور مداوم شهروندان در فضاهای همگانی (چشمان مراقب) را عامل اصلی برقراری امنیت در این‌گونه مکان‌ها می‌دانند. ولی طالبوف معتقد است برقراری امنیت وظیفه دولت و نهادهای مربوطه است؛ بنابراین در این گویه دیدگاه متفاوت وجود دارد.

-بعد اقتصادی: طالبوف و نظریه‌پردازان شهری، همگی بر این باورند که در فضاهای عمومی، مشاغل نیز در کنار دیگر کاربری‌ها باید وجود داشته باشند تا هم به واسطه فضای عمومی، رشد اقتصادی بهبود یابد و هم وجود کاربری‌های گوناگون اقتصادی، خود جاذب جمعیت و موجب سرزندگی است.

-بعد مذهبی-دینی: نظریه‌پردازان موردبحث، در مورد این بعد اشاره نموده‌اند که فضاهای همگانی دارای بعد مذهبی نیز هست و نباید از مذهب و تأثیرش بر انسان‌هایی که قرار است در این‌گونه مکان‌ها گرد هم آیند، غافل بود؛ اما طالبوف، تأکید بیشتری بر این گویه دارد و در چندین قسمت از کتاب *مسالك المحسنين* به صراحت از خداوند و بزرگی او، حکمت آفرینش جهان، دین اسلام و قرآن یاد نموده است. وی بیان می‌نماید باینکه تمام ادیان قابل احترام هستند و باید در جامعه پذیرفته شوند، اما دین اسلام و قرآن را از همه آنان بالاتر دانسته و معتقد است قرآن از تمام کتاب‌های الهی قابل استنادتر است.

دیدگاه آرمان‌شهری طالبوف همواره همگام با واقع‌گرایی اوست. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد تفکرات طالبوف بر برهان عقل استوار است؛ بنابراین وی با نگاهی متفاوت به ویژگی‌های آرمان‌شهرهای پیشین که به عواملی همچون انزوا، جزیره‌ای بودن و جدا از تمام دنیا، استقلال کامل، نهایت غایت زندگی دنیا و جاودانگی مطلق، همانندی کامل جهت برقراری عدالت استوار است، پرداخته است. البته لازم به ذکر است که طالبوف نیز اکثر این عوامل را مورد تأیید قرار داده و آن‌ها را لازمه شهر آرمانی‌اش می‌داند، اما نگرش منطقی او موجب شده وی با نگاهی نو به جهان اطرافش بنگرد. طالبوف معتقد بر ارتباط با دیگر نقاط جهان جهت توسعه و پیشرفت است و بیان می‌نماید؛ همیشه جایی برای ترقی بیشتر وجود دارد و این پیشرفت در صورتی امکان‌پذیر است که بتوانیم از تجارب دیگر کشورهای توسعه‌یافته، جهت ارتقا و بهبود کشور خود استفاده نماییم. او

عدالت را نه در همانندی (به مانند دیگر آرمان شهرها)، بلکه در مساوات بر مبنای نیازها، تفاوت‌ها و توان‌ها می‌بیند. وی معتقد است دستیابی به این چشم‌انداز آرمانی نیازمند عزم و اراده بشری و اتحاد آنان است. شاید نوع نگاهش به جهان، برگرفته از آیه ۱۱ سوره رعد باشد که خداوند می‌فرماید «ما سرنوشت هیچ قومی (ملت) را تغییر نمی‌دهیم مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند». با توجه به اینکه طالبوف هر مشکلی را که مطرح نموده، راهکاری نیز برای آن ارائه داده است، به نظر می‌رسد او آرمان شهری را به تحریر درآورده که امید داشته هرچند سخت و غیرقابل‌باور، اما شاید روزی جهانیان بتوانند به این آرمان دست پیدا کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، نخست به بیان اهمیت و الزام وجود فضاهای همگانی اجتماع محور پرداخت. سپس با توسل به مفاهیم و استدلال‌های مطرح‌شده در این حوزه، به ارائه مفهومی از این‌گونه مکان‌های شهری با اهمیت، جهت آشنایی بهتر خواننده و روشن نمودن مطلب، نمود. در گام بعدی؛ به تحریر نظریات، عوامل، معیارها و شاخص‌های مطرح‌شده در خصوص دستیابی پایدار به فضاهای همگانی اجتماع محور و از سوی بهره‌گیری از آن‌ها به عنوان چارچوبی قابل‌اتکا برای اندیشه‌های طالبوف تبریزی پرداخته شد. سپس مطالب مرتبط و اثرگذار بر فضاهای همگانی در کتاب مسالک‌المحسنین، با سیاست واکاوی‌گزینشی، به‌عنوان یافته‌های پژوهش انتخاب و از آن‌ها بهره گرفته شد. این تحقیق در بخش تحلیل، ابتدا به بیان معانی نهفته در اندیشه‌های طالبوف تبریزی و سپس مقایسه این معانی و مفاهیم با نظریات و دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط اندیشمندان معاصر، با استفاده از نرم‌افزار اطلس‌تی نمود. همچنین به‌طور اجمالی اقدام به بررسی میزان دست‌یافتنی بودن این آرمان شهر، جهت دستیابی به میزان قابلیت استناد به اندیشه‌های وی پرداخت. یافته‌ها حاکی از آن بود که اندیشه‌های طالبوف تبریزی در کتاب مسالک‌المحسنین در اکثر ابعاد و گویه‌ها، بسیار نزدیک به نظریات مطرح‌شده اندیشمندان شهری است. البته گاهی با صفت‌ها یا لغت‌های متفاوت بیان‌شده‌اند که به دلیل اختلاف‌زمانی میان آن‌ها، این امر کاملاً طبیعی است. از نگاه طالبوف و

نظریه‌پردازهای حوزه‌های جامعه‌شناسی و شهری، فضای همگانی شامل ابعاد بصری-زیبایی‌شناسی، اجتماعی-فردی، سیاسی-مدیریتی و دینی-مذهبی است. اندیشه‌های طالبوف و نظریه‌پردازهای واقع‌گرا، در ابعاد مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی، بسیار مشابه بود. در بعد بصری، طالبوف نگاهی دقیق‌تر به مسائل زیبایی‌شناسی دارد. طالبوف دین و مذهب را از اصلی‌ترین اصول پایداری یک ملت و شهر می‌داند که دیگران تنها به‌ضرورت وجود این بعد اشاره نموده‌اند. از سوی دیگر، اعتقادات دینی-مذهبی طالبوف مسبب خداترسی وی و رعایت عدالت در نوشته‌هایش بود که این مورد خود دلیلی بر قابل‌اتکا بودن سخنانش است. طالبوف آرمان‌گرا و نظریه‌پردازهای واقع‌گرا معتقد هستند اگر هر پنج بعد، به‌طور هماهنگ و همگام با یکدیگر، در فضاهای همگانی مورداجرا قرار گیرند، موجب موفقیت و پایداری این‌گونه مکان‌ها و در پی آن پیشرفت و بهبود شهرهای امروزی خواهد شد. آنچه از یافته‌های پژوهش به دست آمد، به‌عنوان رهیافت و پیشنهادهایی به جهت ارتقای فضاهای همگانی شهر می‌تواند موردتوجه قرار گیرد.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳)، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، چاپ دوم، تهران، نشر دماوند.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۹۳)، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی (چاپ سوم)، تهران: نشر نی.
- باتلر، کریس (۲۰۱۲)، آنری لوفر، سیاست فضایی، زندگی روزمره و حق به شهر. ترجمه: نریمان جهانزاد (۱۳۹۹). تهران: انتشارات همشهری.
- بلیکی، نورمن (۱۴۰۰)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- پهنادایان، شاهین (۱۳۹۶)، (مروری بر ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران عصر قاجار)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۳۸، صص ۱۹۴-۱۷۳.
- روویون، فردریک (۱۳۸۵)، آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر نی.
- طالبوف، عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب نجار تبریزی (۱۳۵۶)، مسالک‌المحسنین، تهران، انتشارات شبگیر، چاپ دوم، (چاپ شده از روی نسخه چاپ مصر-قاهره، ۱۳۲۳ هجری قمری).

- طالبوف، عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب (۱۳۹۴)، احمد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- فیض رفعتیان، احسان (۱۳۹۷)، آرمان شهر: مطالعه تطبیقی آرمان شهر در غرب با آرمان شهر در ایران، کرج: انتشارات فروغ سپهر.
- کسروی، احمد (۱۳۴۰)، در راه سیاست، تهران، کتاب فروشی پایدار.
- مهدی زاده، میثم؛ دشتی، فرشاد و علی شیری، سکینه (۱۳۹۵)، هم پیوستاری خانه و شهر؛ خانه ایرانی جزئی از نظام همسایگی و محله با تأکید بر ارزش های شهر اسلامی، نشریه علمی مدیریت شهری، شماره ۴۳، صص ۳۶۶-۳۴۳.
- نوری، شیخ فضل الله (۱۳۷۴)، «در رساله حرمت مشروطه» رساله مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد: تهران: انتشارات کویر.
- Akkar, M. (2005). "The changing 'publicness' of contemporary public spaces: A case study of the Grey's Monument Area, Newcastle upon Tyne." *Urban Des. Int.* 10 (2): 95-113. <https://doi.org/10.1057/palgrave.udi.9000138>
- Arendt, H. (1958). *The Human Condition*. Chicago, IL: University of Chicago Press. <https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/H/bo29137972.html>
- Atkinson, R. (2003) "Domestication by cappuccino or a revenge on urban space? Control and empowerment in the management of public spaces." *Urban Stud.* 40 (9): 1829-1843. <https://doi.org/10.1080/0042098032000106627>.
- Atkinson, R. (2003). Domestication by cappuccino or a revenge on urban space? Control and empowerment in the management of public spaces. *Urban studies*, 40(9), 1829-1843.
- Banerjee, T. (2020). The idea of the urban commons, Challenges of enclosure, encroachment, and exclusion. In Mehta, V., & Palazzo, D. (Eds.), *Companion to Public Space*. Routledge.
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Towards a New Modernity*. London: Sage. ISBN 0-8039-834S-x
- Benn, S., and G. Gaus. (1983). "The liberal conception of the public and private." In *Public and private in social life*, 31-65. London: Croom Helm.
- Berger, P.L., Berger, B., & Kellner, H. (1974). *The Homeless Mind*, Penguin Books, Ringwood.
- Berman, M. (1986). "Take it to the Streets: Conflict and Community in Public Space." *Dissent* 33: 476 - 485.
- Blackmar, E. (2006). Appropriating the "commons". In S. Low, & N. Smith Eds., *The politics of public space*. New York: Routledge.

- Blomley, N. (2005). Flowers in the bathtub, boundary crossings at the public-private divide. *Geoforum*, 36(3), 281-296.
- Bodnar, J. (2015) Reclaiming public space. *Journal Urban Studies*. Volume 52, Issue 12. pp 1-15. <https://doi.org/10.1177/0042098015583626>
- Bourdieu, P. (1997). *distinction*, Routledge Kegan Paul The Forms of Social Capital, in Halsey, A.H (1997) *Education, Economy and Society*, Oxford University Press, New York.
- Brill, M. 1989. "Transformation, Nostalgia, and Illusion in Public Life and Public Place." In *Public Places and Spaces*, edited by I. Altman. New York: Plenum Press. pp: 7-29. DOI: 10.1007/978-1-4684-5601-1_2
- Butler, C. (2012). *Henri Lefebvre : spatial politics, everyday life and the right to the city*.
- CABE. (2004). *The Value of Public Space: How High Quality Parks and Public Spaces Create Economic, Social and Environmental Value*. London: CABE Space.
- Carmona, M. (2010) "Contemporary public space: Critique and classification, part one: Critique." *J. Urban Des.* 15 (1): 123-148. <https://doi.org/10.1080/13574800903435651>.
- Carmona, M. (2014) "The Place-Shaping Continuum, A Theory of Urban Design Process", *Journal of Urban Design* 19 (1): 2-36. <https://doi.org/10.1080/13574809.2013.854695>
- Carmona, M. (2019) Principles for public space design, planning to do better. *Urban Design International*. volume 24, PP 47-59. <https://doi.org/10.1057/s41289-018-0070-3>
- Carmona, M. (2019). Place value: Place quality and its impact on health, social, economic and environmental outcomes. *Journal of Urban Design*, 24, 1-48. <https://doi.org/10.1080/13574809.2018.1472523>
- Carmona, M., C. de Magalhaes, & L. Hammond. (2008) *Public Space, the Management Dimension*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203927229>
- carmona, M., T. Heath, T. Oc., & S. Tiesdell. (2003) *Public places urban spaces: The dimensions of urban design*. Oxford: Architectural Press. <https://doi.org/10.4324/9780080515427>
- Carmona, M. (2015) Re-theorising contemporary public space: a new narrative and a new normative, *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*. 8 (4): 374-405. <http://dx.doi.org/10.1080/17549175.2014.909518>
- Castells. M. (2021). From cities to networks: Power rules. *Journals Sage*. Volume 21, Issue 3-4. <https://doi.org/10.1177/1468795X211022054>
- Castells. M. (2022). The Network Society Revisited. Volume 67, Issue 7. <https://doi.org/10.1177/00027642221092803>
- Cullen, G. (1961). *The concise townscape*. New York: Reinhold. <https://doi.org/10.4324/9780080502816>

- De Magalhães, C. (2010). "Public space and the contracting-out of publicness: A framework for analysis." *J. Urban Des.* 15 (4): 559–574. <https://doi.org/10.1080/13574809.2010.502347>
- De Magalhães, C., and S. Trigo. (2017) "'Clubification' of urban public spaces? The withdrawal of the re-definition of the role of local government in the management of public spaces." *J. Urban Des.* 22 (6): 738–756. <https://doi.org/10.1080/13574809.2017.1336059>.
- Durkheim, E. (1964). *The Division of Labor in Society*, Free Press, New York.
- Ellin, N. (1996) *Postmodern urbanism*. Oxford: Blackwell. <https://catalogue.nla.gov.au/Record/167495>
- Fainstein, S.S. (2010). *The Just City*. New York: Cornell University Press. ISBN: 0801446554.
- Fincher, R. and Iveson, K. (2008). *Planning and Diversity in the City: Redistribution, Recognition and Encounter*. DOI 10.1080/08111146.2010.513474. <http://hdl.handle.net/11343/28047>
- Foucault, M. (1991). *Space, Knowledge and Power*, in Rabinow, P. (ed). *The Foucault Reader*, Penguin, London. PP, 56-239.
- Francis, M. (1989). "Control as a dimension of public space quality." In *Public places and spaces*, edited by I. Altman and E. H. Zube, 147–172. New York: Plenum Press. DOI: 10.1007/978-1-4684-5601-1_7
- Gehl, J. (2010). *Cities for people*. London: Island Press. ISBN: 9781597265737
- Giddens, A. (1994). *Elements of the Theory of Structuration*, in *The Polity Reader in Social Theory*, Polity Press, Oxford. PP. 79-88.
- Goffman, E. (1990). *The Presentation of Self in Everyday Life*, Penguin, London.
- Haas, T., and Olsson, K. (2014). *Transmutation and Reinvention of Public Spaces Through Ideals of Urban Planning and Design*. *Space and Culture Journal*, Sage. 17 (1): 59–68. <https://doi.org/10.1177/1206331213493855>
- Haas, T., & Mehaffy, M. (2019). *Introduction: the future of public space*. *Journal URBAN DESIGN International* volume 24, p.p 1–3. <https://doi.org/10.1057/s41289-018-0062-3>
- Habermas, J. (1989). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. Cambridge: Polity Press.
- Herbert Mead, G. (1934) *Mind, self society from the standpoint of a social behaviorist*.
- Hou, J. (2020). *Public space as a space of resistance and democratic resilience*. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds), *Companion to Public Space*. Routledge.
- Iveson, K. (2006) *Strangers in the cosmopolis*, in Binnie, J., Holloway, J., Millington, S. and Young, C. (eds.) *Cosmopolitan Urbanism*. London: Routledge, pp. 70–87.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Random House.

- Jalaladdini, S. & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and vitality, a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (35), 664-674.
- Johnson, A. J., & Glover, T. D. (2013). Understanding urban public space in a leisure context. *Leisure Sciences*, 35(2), 190-197.
- Justin, S., Connolly, J. J. T., & Orum, A. M. (Ed.) (2017). *The Just City*. In *The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, (1 ed., Vol. 1). (Encyclopedia Series).
- Koch, R. & Latham, A. (2012). Rethinking urban public space, accounts from a junction in West London. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 37(4), 1-15.
- Lee, D. (2020) Whose space is privately owned public space? Exclusion, underuse and the lack of knowledge and awareness. *Urban Research & Practice*. Volume 15, Issue 3. PP 366-380. <https://doi.org/10.1080/17535069.2020.1815828>
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, Trans). Oxford: Basil Blackwell.
- Lofland, L. (1998). *The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory*. New York: Aldine De Gruyter. ISBN-10: 0202306089
- Lopes, M., Santos Cruz, S., & Pinho, P. (2019) Revisiting Publicness in Assessment of Contemporary Urban Spaces. *American Society of Civil Engineers. Journal of Urban Planning and Development*, 145(4): 04019013. ISSN 0733-9488. DOI: 10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000521
- Low, S. (2013) How private interests take over public space: zoning, taxes and incorporation of gated communities, in Low, S. and Smith, N. (eds.) *The Politics of Public Space*. London: Routledge.
- Low, S. and Iveson, K. (2016) Propositions for more just urban public spaces. *City*, 20(1), pp. 10–31. DOI: 10.1080/13604813.2015.1128679
- Luger, J., & Lees, L. (2020). PLANETARY PUBLIC SPACE Scale, context, and politics. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. Routledge.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. London: Routledge. DOI: [10.4324/9780203402856](https://doi.org/10.4324/9780203402856)
- Madanipour, A. (2010). *Whose public space? International case studies in urban design and development*. London: Routledge.
- Marx, K., & Engels, F. (1973). *The German Ideology*, International Publishers, New York.
- McMillan, D. W., & Chavis, D. M. (1986). Sense of community: A definition and theory. *Journal of Community Psychology*, 14(1), 6–23.

[https://doi.org/10.1002/15206629\(198601\)14:1<6::AID-JCOP2290140103>3.0.CO;2-I](https://doi.org/10.1002/15206629(198601)14:1<6::AID-JCOP2290140103>3.0.CO;2-I)

- Mehta, V. & Palazzo, D. (2020). Companion to Public Space. London: Routledge.
- Mehta, V. (2014). Evaluating public space. Journal of Urban Design, 19(1), 53-88.
- Mitchell, D. (2003). The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space. New York: Guilford Press. ISBN 9781572308473
- Mitchell, D. (2017). People's Park again, on the end and ends of public space. Environment and planning A, economy and space, 49(3), 503-518.
- Montgomery, H. (2013). Happy City: Transforming Our Lives Through Urban Design. New York : Farrar, Straus and Giroux. ISBN: 978-0-374-16823-0
- Nemeth, J. (2009). "Defining a public: The management of privately owned public space." Urban Stud. 46 (11): 2463–2490. <https://doi.org/10.1177/0042098009342903>
- Nemeth, J. (2012). Controlling the Commons, How Public is Public Space? Urban Affairs Review 48 (6): 811–835. <https://doi.org/10.1177/1078087412446445>
- Németh, J., and S. Schmidt. (2007) "Toward a methodology for measuring the security of publicly accessible spaces." J. Am. Plann. Assoc. 73 (3): 283–297. <https://doi.org/10.1080/01944360708977978>.
- Németh, J., and S. Schmidt. (2011). "The privatization of public space: Modelling and measuring publicness." Environ. Plann. B: Plann. Des. 38 (1): 5–23. <https://doi.org/10.1068/b36057>
- Oc, T., & S. Tiesdell. (1999) "The fortress, the panoptic, the regulatory and the animated: Planning and urban design approaches to safer city centres." Landscape Res. 24 (3): 265–286. <https://doi.org/10.1080/01426399908706563>.
- Oldenburg, R. (1999), The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community, Washington: Marlowe & Company. ISBN: 9781569246818, 1569246815
- Pahl, R. (ed.). (1974). Readings in Urban Sociology, Pergamon, Oxford.
- Rossi, A. (1966) The architecture of the city. Cambridge, MA: MIT Press. <https://mitpress.mit.edu/9780262680431/the-architecture-of-the-city/>
- Sandercock, L. (2003). Towards Cosmopolis. Chichester: Wiley.
- Sennett R (1990) The Conscience of the Eye: The Design and Social Life of Cities. New York and London: W. W. Norton. ISBN: 0394571045, 9780394571041
- Sezer, C. (2017) Public Space and Urban Justice. Vol. 43, No. 2. pp. 165-172. <https://www.jstor.org/stable/44329733>

- Simmel, G. (1993). *The Metropolis and Mental Life*, in Levine, D.N. (ed). 1971. *Georg Simmel on Individuality and Social Forms: Selected Writings*, University of Chicago Press, Chicago. PP, 39-324.
- Talen, E. (2007). Design for diversity: evaluating the context of socially mixed neighbourhoods. *Journal of Urban Design*, 11(1), pp. 1–32. <https://doi.org/10.1080/13574800500490588>
- Thomas, M. (1991). “The Demise of Public Space.” In *Town Planning Responses to City Change*, edited by V. Nadin, and J. Doak, 209– 224. Avebury: Aldershot.
- Tibbalds, F. (2000) *Making people-friendly towns: Improving the public environment in towns and cities*. Harlow, Essex: Longman. <https://doi.org/10.4324/9780203469521>
- Toennies, F. (1995). *Community and Association*, Routledge & Kegan Paul, London, PP, 9-37. quoted in Worsley, P. (ed.).1973. *Modern Sociology: Introductory Readigs*, Penguin, London. PP, 6-295.
- Varna, G., & Tiesdell, S. (2010). Assessing the publicness of public space: The star model of publicness. *Journal of Urban Design*, 15, 575–598. <https://doi.org/10.1080/13574809.2010.502350>
- Weber, M. (1978). *Economy and Society*, University of California Press, london.
- Whyte, W. H. (1980) *The social life of small urban spaces*.
- Wirth, L. (1938). *Urbanism as a Way of life*, *American Journal of Sociology*, Vol. 44, July.
- Zarate, L. (2015). *Right to the City for All: a manifesto for social justice in an urban century*, in Griffin, T.L. Vol. 1. New York: The J. Max Bond Center on Design for the Just City.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee *Advances in Sociological Urban Studies Journal*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

